



## آیات قرآن و زیارت نامه های امام زمان (ع)

الیاس کلانتری

چکیده

زیارت نامه های متعددی در کتب دعا و زیارت برای وجود گرامی حضرت ولیعصر امام زمان (ع) ذکر شده است که بعضی در حرم شریف آن حضرت و پدر بزرگوار و جدّ کریمش و در سرداب مقدس خوانده می شود و بعضی از راه دور . در این زیارت نامه ها آیاتی از قرآن مجید مورد توجه قرار گرفته یا به صورت ذکر اصل آیات کریمه و یا به صورت تلمیحی از بعضی آیات . در این مقاله سه زیارت از زیارت نامه های آن حضرت مورد بررسی قرار گرفته و به ذکر و توضیح موارد آشکاری از توجه به آیات قرآن اکتفا شده است .  
کلید واژه ها : امام زمان ، زیارت نامه ، سرداب مقدس ، حرم شریف ، شجره طوبی ، سدره المنتهی .

### تجلی آیات قرآن در زیارات امام زمان (ع)

طبق اصول یک ادب جمیل جهت رعایت حرمت حرم های مبارک رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) لازم است زائر قبل از ورود به حرم های آن بزرگواران بر در حرم و یا صحن حرم توقف کند و جهت داخل شدن اذن بطلبد که اصطلاحاً به این عمل

«إذن دخول» گفته می شود .

برای زیارت حضرت حجت (ع) إذن دخول خاصی وارد نشده است .

### زیارت آل یاسین

این زیارت از زیارت های مشهور امام عصر (ع) است که در سرداب مقدس خوانده می شود و آن با این عبارت شروع شده است : «سلام علی آل یس ، السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته» .<sup>۱</sup>

این قسمت از زیارتنامه مشتمل بر آیه ای از قرآن مجید است و آن آیه ۱۳۰ از سوره صافات می باشد . در قرائت متداول در قرآن مجید کلمه «آل یاسین» خوانده می شود ، اما در روایتی از امیر المؤمنین علی (ع) آمده است که یس محمد (ص) است و ما آل یس هستیم . در تفسیر المیزان در بحث روایی مربوط به آیه آمده است که در کتاب المعانی از امام صادق (ع) از آباء خود از امیر المؤمنین علی (ع) نقل شده که در مورد آیه «سلام علی آل یس» فرمود : یاسین محمد (ص) و ما آل یاسین هستیم .

علامه طباطبائی بعد از ذکر این روایت آورده است که مثل این روایت در کتاب العیون از امام رضا (ع) هم آمده است و آن مبنی بر قرائت آل یس است ، هم چنان که نافع و ابن عامر و یعقوب و زید چنین قرائت کرده اند .<sup>۲</sup>

در قطعاتی از این زیارت شریفه آیاتی از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته که به بعضی از آن موارد اشاره ای می کنیم :

۱ . «السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه» : در این عبارت آیه ای از سوره هود مورد نظر می باشد که مشتمل بر یک اصل کلی عقیدتی و اخلاقی است و آن این است که خداوند می فرماید : «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود، ۸۶/۱۱) ؛ «یعنی آنچه خدا ذخیره می کند برای اهل ایمان بهتر است» . این اصل کلی در همه جا صادق است و برترین و شریفترین مصداق آن وجود مبارک آخرین حجت پروردگار عالمیان امام عصر حضرت حجة بن الحسن (ع) می باشد و لقب شریف آن حضرت قرار گرفته است .

۲ . «السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّىٰ» : این قطعه از زیارتنامه مورد بحث متضمن دو آیه از سوره مبارکه «اللَّيْلِ» است . این قطعه در انتهای فصلی از زیارتنامه

آیات قرآن و امام زمان (ع)

قرار دارد که با این عبارت شروع شده: «السلام علیک حین تقوم، السلام علیک حین تقعد» در این قطعه حالات مختلف آن وجود مبارک در نمازها و دعاها و صبحها و شبها ذکر شده و در انتهای آن این دو آیه ذکر شده است، یعنی در حالات مختلف برای آن حضرت سلام فرستاده شده اگر مراد از این دو آیه وقت شب و روز باشد، ذکر آن غیر ضروری خواهد بود، چون قبل از آن فرمود: «السلام علیک حین تصبح و تمسی»؛ «سلام بر تو وقتی صبح می کنی و وقتی وارد شب می شوی»، پس باید از ذکر این دو آیه منظور دیگری باشد.

احتمال دارد مراد از ذکر این دو آیه، اشاره ای به زمان غیبت و زمان ظهور آن حضرت باشد. یعنی: غیبت آن وجود مقدس مرتبه ای از برکات وجودی و نور شخص او را پوشانده و انسانها از این جهت دچار محرومیتی شده اند و زمان ظهور او این برکات و این نور را آشکار خواهد کرد.

در تفسیر شریف المیزان در تفسیر این آیه از سوره اللیل «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» آمده است: «تعبیر از صفت لیل با فعل مضارع، و از صفت نهار با فعل ماضی. وقتی گفته شده «يَعْشَى» و «تَجَلَّى» برای جهتی است که در تفسیر آیات اول سوره قبلی ذکر شد.<sup>۳</sup> و در تفسیر آیه: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» از سوره شمس گفته شده: «تعبیر از پوشاندن شب زمین را، با فعل مضارع بر خلاف آشکار کردن آن به وسیله روز را، با فعل ماضی وقتی که فرمود: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا \* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (الشمس، ۹۱/ ۳-۴)؛ جهت دلالت بر زمان نزول آیه است و در آن اشاره ای است به این که در آیات نزول آیه که اوائل زمان ظهور دعوت اسلامی بود، تاریکی فجور زمین را پوشانده بود، و قبلاً گفته شد که بین قسمها و آنچه به آن قسم خورده می شود باید نوعی اتصال و ارتباط باشد.<sup>۴</sup>

نظر مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، معنای احتمالی ذکر شده را تقویت می کند به جهت شباهتی که بین این دو مطلب وجود دارد و آن شباهت زمان قبل از ظهور اسلام و بعد از ظهور آن به موضوع غیبت وجود مباح امام عصر(ع) و تاریکی ناشی از آن غیبت و روشنائی زمین در اثر ظهور آن بزرگوار. امیدواریم خداوند عالم بزودی با ظهور آن بزرگوار تاریکیهای جهلها و شرکها و فقرها و ظلمها و انواع نابسامانیها از روی زمین برطرف کند.

در بررسی تفسیر آیه سوره «اللیل» روایتی را یافتیم که ذیلاً از تفسیر قمی نقل می شود: أخبرنا أحمد بن إدريس، قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عز وجل «وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى»، قال: «الليل في هذا الموضع فلان غشى أمير المؤمنين في دولته التي جرت له عليه و أمير المؤمنين (ع) يصبر في دولتهم حتى تنقضي»، قال: «وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى» قال: «النهار: هو القائم (ع) من أهل البيت، إذا قام غلب دولته الباطل و القرآن ضرب فيه المثال للناس و خاطب الله به نبيه به و نحن، فليس يعلمه غيرنا».<sup>۵</sup>

سوال کردم از امام باقر (ع) از معنای کلام خدا عز و جل؛ یعنی: آیه «وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى» فرمود: «مراد از لیل در این آیه فلانی است که در جریان دولت خود - حکومت و برکات وجودی - أمير المؤمنين (ع) را پوشاند و أمير المؤمنين (ع) در دولت آن ها صبر می کرد تا آن حکومت به پایان برسد». و فرمود: «وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى»؛ «مراد از النهار قائم ما اهل بیت (ع) است که وقتی قیام می کند دولت او بر باطل غلبه خواهد کرد و قرآن در مورد او مثال هایی برای مردم زده و خداوند عالم در مورد او و ما، پیامبرش را مورد خطاب قرار داد، و این معانی را غیر ما نمی داند».<sup>۶</sup>

محتوای این روایت معنای مورد بحث یا بخشی از آن را تأیید می کند و اشاره ای دارد به این نکته که قرآن مجید دارای مراتب و انواعی از معانی است و بعضی از مراتب معانی آن قابل فهم انسان های عادی نیست و از معانی باطنی قرآن محسوب می شود که علم به آن مراتب در وسع قدرت فهم ذوات مقدسه معصومین (ع) می باشد.

۳. «وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقَّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا». این بخش از زیارت متضمن آیه ۱۵۸ از سوره انعام می باشد که می فرماید: «رجعت شما حق است» یعنی: واقع خواهد شد و شکی در آن نیست، اما در آن زمان و در آن روز ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده بود، سودی به حال او نخواهد داشت!

خداوند می فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِي رَبُّكَ أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (الأنعام، ۱۵۸/۶)؛ «آیا جز این انتظار دارند [کافران] که ملائکه

نزد آنان بیایند، یا خود پروردگارت بیاید و یا بعضی از آیات پروردگارت بیاید، روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید، ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده بود، نفعی به حال او نخواهد داشت، یا در ایمانش کار خیری انجام داده است، بگو [ای پیامبر به کافران] شما منتظر باشید، ما هم در حال انتظار هستیم. مراد از آمدن ملائکه نزول عذاب الهی است که ملائکه اجرای حکم خداوند را در آن به عهده دارند، یعنی: ملائکه حامل عذاب خداوند، و مراد از آمدن پروردگار، آمدن امر وی و یا ظهور اراده و قدرت او است و آن در قیامت واقع خواهد شد. در مورد آمدن بعضی از آیات پروردگار، علامه طباطبائی می فرماید: مراد از آمدن بعضی آیات ربّ آمدن آیتی است که ملازم تبدیل نشأت حیات برای آنها باشد، به طوری که راهی به سوی برگشت به اختیار، و قدرت قبلی نباشد، مانند آیت موت که نشأت عمل را به نشأت جزای برزخی تبدیل می کند. یا ملازم استقرار ملکه کفر و جحود در نفوس آنها است، به طوری که اذعان به توحید و روی کردن با توجّه قلبی به سوی حق، با آن ممکن نباشد؛ مگر آنچه فقط بر زبان آورده شود به خاطر ترس از عذاب... یا آمدن عذابی است از طرف خداوند که برگشتی از آن یا راه فراری نباشد و آنها را به ایمان اضطراری بکشاند؛ لکن این ایمان اضطراری نفعی به حال آنها نخواهد داشت.<sup>۷</sup>

در این قسمت از زیارت اشاره ای شده به این که ائمه اهل بیت (ع) رجعتی خواهند داشت و حکومت دینی که حق آنها بوده در اختیارشان قرار خواهد گرفت و نظام دین توحیدی در همه جا برقرار خواهد شد. اما کفار لازم است قبل از آن زمان به این حقیقت ایمان بیاورند و الا ایمان در آن زمان نفعی به حال آنها نخواهد داشت، به جهت این که آن ایمان اضطراری است و فرصتی هم برای اعمال خیر در کار نخواهد بود.

## زیارت دوم

زیارت دیگری برای وجود مبارک امام عصر (ع) نقل شده که در کتاب مفاتیح الجنان آن را دومین زیارت برای حرم شریف آن حضرت آورده است. علامه مجلسی در «بحار الأنوار» آن را از شیخ مفید و شهید و مؤلف «المزار الکبیر» نقل کرده است.<sup>۸</sup> این زیارت با عبارات ذیل شروع می شود: «السلام علیک یا خلیفة الله و خلیفة آبائه المهديين، السلام علیک یا وصی الأوصیاء الماضین، السلام علیک یا حافظ أصرار رب العالمین...».

آیات قرآن و زیارت نامه های امام زمان (ع)

در این زیارت هم آیاتی از قرآن مجید تجلی یافته که بعضی از آنها را مورد بررسی فشرده ای قرار می دهیم .

۱ . « السلام علیک یا ناظر شجرة طوبی و سدرۃ المنتهی » در این قطعه از زیارت نامه دو آیه از قرآن مجید مورد توجه قرار گرفته و آن دو عبارتند از : « الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُ » (الرعد، ۲۹/۱۳) و « عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى » (النجم، ۵۳/۱۴) .

در تفسیر المیزان آمده : طوبی مؤنث اُطیب و آن صفتی است برای محذوفی و آن - به طوری که از سیاق بر می آید - حیات یا معیشت است ، یعنی : حیات یا معیشت پاکیزه تر ، پس « طُوبَى لَهُمْ » یعنی : برای آن ها است حیات پاکیزه تر و یا معیشت پاکیزه تر .<sup>۹</sup> در روایات زیادی از رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) آمده است که « طوبی » درختی است در بهشت که اصل آن در خانه رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) قرار دارد و به هر یک از خانه های بهشتی شاخه ای از آن کشیده شده است .

در این قسمت چند روایت از تفسیر المیزان در مورد درخت طوبی ذکر می کنیم : در کتاب خرائج از رسول خدا (ص) آمده که فرمود : « ای فاطمه بشارتی از پروردگار در مورد برادرم و پسر عمویم آمده که خداوند عزوجل فاطمه را به ازدواج علی در آورده و به رضوان خازن بهشت دستور داد تا درخت طوبی را تکان دهد و آن به عدد دوستداران اهل بیت من رقعہ هائی حمل کرد ، پس ملائکه ای از نور آفرید و به هر ملکی خطی داد ، وقتی قیامت برقرار شد و اهل آن در آن مستقر شدند . هیچ یک از محبان ما نمی ماند که ملائکه به او رقعہ ای می دهند که در آن است برائت از آتش .

علامه طباطبائی بعد از ذکر این روایت گفته : در تفسیر برهان از موفق بن احمد با سندش از بلال بن حمّامه از پیامبر اکرم (ص) مثل آن را نقل کرده و همچنین این معنا روایت شده از ام سلمه و سلمان فارسی و علی بن ابی طالب و در آن است که وقتی خداوند ملائکه را شاهد گرفت بر ازدواج فاطمه با علی بن ابی طالب امر کرد درخت طوبی را که نثار کند حمل خود را و آنچه از زیور و زینت در آن است ، پس درخت نثار کرد آن چه در آن بود ، ملائکه و حور العین آنها را بر داشتند تا به همدیگر هدیه دهند و تا روز قیامت به آن افتخار کنند ، و روایت شده قریب به این معنا از امام رضا (ع) .

در مجمع البیان از ثعلبی روایت کرده با اسناد از کلبی از ابی صالح از ابن عباس که

آیات قرآن و امام زمان (ع)

گفت: طوبی درختی است که ریشه آن در خانه علی (ع) در بهشت قرار دارد و در هر خانه بهشتی شاخه ای از آن وجود دارد، این روایت را ابو بصیر از امام صادق (ع) هم نقل کرده است.

در تفسیر برهان از تفسیر ثعلبی با اسناد از جابر از ابی جعفر (ع) آمده که از رسول خدا (ص) در مورد «طوبی» سؤال شد، او فرمود: درختی است در بهشت که ریشه آن در خانه علی (ع) و شاخه های آن بالای سر اهل بهشت است، گفتند: یا رسول الله قبلاً سؤال کردیم فرمودی ریشه آن درخت در خانه من و شاخه هایش بالای سر اهل بهشت است! فرمود: خانه من و خانه علی در بهشت یکی است و در یک جا! و مثل این روایت را صاحب مجمع البیان با اسنادش از حاکم ابی القاسم حسکانی با اسنادش از موسی بن جعفر (ع) از پدرش از پدران خود از پیامبر اکرم (ص) هم نقل کرده است.

علامه طباطبائی بعد از نقل این روایات می فرماید: «در این معنا روایات زیادی از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده و ظاهر این است که این روایات ناظر به تفسیر آیه نبوده، بلکه ناظر به معانی باطنی آیه بدون ظاهر آن بوده، و حقیقت زندگی طوبی همان ولایت خداوند سبحان است که علی (ع) صاحب آن است و اولین کسی از این امت است که در آن را باز کرده و مؤمنان از اهل ولایت پیروان و شیعیان او هستند و خانه آن بزرگوار در بهشت نعیم همان بهشت ولایت است و خانه او و پیامبر اکرم (ص) یکی است و اختلافی و تزاومی بین آن دو نیست پس دقت کن در فهم این نکته.<sup>۱۰</sup>

در مورد «حیات طوبی» و «شجره طوبی» مباحث علمی و اخلاقی و عقیدتی دیگری مورد نیاز است که امکان طرح آن ها و همچنین ارتباط زندگی انسان با این حقیقت در دنیا و زندگی حقیقی در آخرت در این مقاله وجود ندارد، و احتیاج به مجال و فرصت دیگری دارد، اما در مورد «سدره المنتهی» هم که در آیه چهاردهم سوره مبارکه «النجم» آمده و عبارت فوق الذکر از این زیارت شریف متضمن آن می باشد، به نحو اجمال اشاره ای می کنیم:

خداوند در بیان حوادث مربوط به معراج وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) فرمود: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى \*عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى \*إِذْ يَعْتَشَى السِّدْرَةَ مَا يَعْتَشَى» (النجم، ۵۳/۱۴-۱۶). در قرآن مجید فقط دو بار کلمه «سدر» به کار رفته و دو بار هم - در آیات فوق الذکر-

کلمه «سدره» سدر درخت معروفی است و سدره، یعنی: یک درخت سدر. در تفسیر این آیات علامه طباطبائی در المیزان آورده است.

«سدر» درخت معروفی است و تاء برای وحدت است و «المنتهی» مثل این که اسم مکان است و احتمالاً مراد از آن منتهای آسمان ها باشد به دلیل بودن بهشت در نزد آن و بهشت در آسمان است. خداوند فرمود: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (الذاریات، ۲۲/۵۱) در کلام خدا چیزی در تفسیر این درخت نیافتیم، گو این که بنابر ابهام آن می باشد. همچنان که آیه بعد می فرماید: «إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى» یعنی: «وقتی پوشاند سدره را آنچه پوشاند» و در روایات هم تفسیر شده به این که آن درختی است بالای آسمان هفتم که اعمال بنی آدم به آنجا منتهی می شود.<sup>۱۱</sup>

در بحث روائی مربوط به این آیات هم در تفسیر المیزان گفته: در تفسیر قمی آمده است که پدرم حدیث کرد مرا از ابن ابی عمیر از هشام از ابی عبدالله (ع) که پیامبر (ص) فرمود: «وقتی به سدره المنتهی رسیدم دیدم هر یک برگ از آن درخت می تواند امتی رازیر سایه خود جای دهد، من در آن جا نسبت به پروردگارم به اندازه دو قوس یا کمتر فاصله داشتم».

در تفسیر قمی با اسنادش از اسماعیل جعفری از امام ابی جعفر (ع) در روایتی طولانی آورده است که وقتی رسول اکرم (ص) به «سدره المنتهی» رسید جبرئیل با او همراهی نکرد و عقب ماند، رسول خدا (ص) فرمود: «در چنین مکانی مرا تنها می گذاری؟ جبرئیل عرض کرد شما جلو بروید قسم به خدا که به مقامی رسیده ای که هیچ یک از مخلوقات خداوند قبل از تو به آن جا نرسیده، من نوری از پروردگارم دیدم و «سبحه» بین من و او حائل شد». گفتم: فدایت گردم سبحه چیست؟ پس با صورت خود اشاره ای به طرف زمین کرد و با دست خود به طرف آسمان اشاره ای کرد و فرمود: «جلال پروردگارم، جلال پروردگارم تا سه بار...».

بعد از این بحث تفسیری در مورد دو آیه مذکور در این قسمت بر می گردیم به عبارت زیارت نامه که فرمود: «السلام علیک یا ناظر شجرة طوبی و سدره المنتهی» در این بخش از زیارت نامه اشاره ای اجمالی و بدون توضیح به دو درخت طوبی و سدره المنتهی شده و این که آن وجود مبارک یعنی: امام عصر (ع) ناظر بر این دو درخت است. طبعاً زندگی



انسان ها در دنیا و در مقصد آفرینش ؛ یعنی : بهشت نوعی ارتباط با این دو شجره مبارک دارد و حجت پروردگار عالم هم در هر زمانی به نحوی توجه به آن دو درخت دارد . موضوع این دو درخت و حقیقت آنها و ارتباط اعمال انسان ها با آنها و نقش آنها در زندگی دنیوی انسان ها ، احتیاج به پژوهش و تحقیق عمیق و گسترده مستقلی دارد و چنین فرصت و بحث بیشتری در این مقاله وجود ندارد .

۲ . «و من عدل عن ولایتک و جهل معرفتک و استبدل بک غیرک کبه الله علی منخره فی النار و لم یقبل الله له عملاً و لم یقم له یوم القیامة و زناً» ؛ یعنی : « هر کس از ولایت تو عدول کند و به معرفت تو جهل بورزد ، و مقام امامت تو را به دیگری تبدیل کند ؛ [یعنی : غیر تو را به جای تو در نظر بگیرد] ، خداوند او را به رو در آتش اندازد و عملی را از او قبول نکند ، و روز قیامت وزنی برای او بر پا نخواهد کرد و ارزشی برای اعمال او در نظر نخواهد گرفت» .

در این قسمت از زیارت هم اشاره ای شد به اهمیت مقام امامت آن وجود مبارک و هم این که مقام امامت از ارکان دین توحیدی است و ایمان به امام تعیین شده از طرف خداوند از ارکان دین است و بی اعتنائی به آن و جایگزین کردن انسان های دیگر در جای امام تعیین شده ، از طرف خداوند ، حبط ؛ یعنی : نابودی اعمال انسان را به دنبال خواهد داشت . و اعمال چنین افرادی در روز قیامت هیچ وزنی نخواهد داشت و جایگاه آن ها جهنم خواهد بود که با ذلت و خواری و حقارت کامل در آن جا افکنده می شوند .

### زیارت روزانه امام عصر (ع)

زیارت های دیگری هم برای آن وجود مبارک در کتاب ها ذکر شده و ما جهت رعایت اختصار و حجم معین مقاله ، به یک زیارت کوتاه در این زمینه اشاره می کنیم ، که خواندن آن هر روز بعد از نماز صبح سفارش شده است . و آن زیارت با عبارت ذیل شروع می شود : «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان - صلوات الله علیه - عن جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الأرض و مغاربها...»<sup>۱۲</sup> .

بخشی از این زیارت را که مشتمل بر آیه ای از قرآن کریم است به عنوان حسن ختام مقاله ذکر می کنیم و به توضیح اجمالی آن اکتفا می کنیم : «و اجعلنی من أنصاره و أشیاعه

و الذائین عنه واجعلنی من المستشهدین بین یدیه ، طائعاً غیر مکره ، فی الصف الذی نعت أهله فی کتابک فقلت : « صَمًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ » ؛ یعنی خدایا مرا از انصار و پیروان و مدافعان آن حضرت قرار بده و خدایا شهادت در مقابل او را نصیبم کن ، در حال اشتیاق نه بابی میلی ، در صفی که اهل آن را در کتابت توصیف فرموده ای و گفته ای : در صفی گو این که بنائی آهنین هستند .

در این بخش اشاره ای به آیه چهارم از سوره مبارکه صف شده است که خداوند فرمود : « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَمًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ » (الصف ، ۴/۶۱) بنیان مرصوص ؛ یعنی : ساختمانی که با قلع و سرب محکم کاری شده و در مقابل عوامل انهدام مقاوم می باشد . خداوند عالم مجاهدان در راه خود را به استقامت و پایداری تشویق کرده و آن ها را تشبیه به بنائی و سدی آهنین کرده است . خداوند همه ما را از یاران و مجاهدان مقابل آن حضرت قرار دهد و ایمان و استقامت لازم برای این هدف مقدس را به ما عطا فرماید .

- |  |  |
|--|--|
| ۱ . بحار الأنوار، ۵۳/ ۱۷۲؛ مفاتیح الجنان / ۸۷۲ . | ۷ . المیزان ، ۴۱۰/۷ .                              |
| ۲ . المیزان ، ۱۶۵/ ۱۷ .                          | ۸ . بحار الأنوار ، ۱۰۲/ ۱۱۶؛ مفاتیح الجنان / ۸۷۶ . |
| ۳ . همان ، ۴۳۴/ ۲۰ .                             | ۹ . المیزان ، ۳۹۳/ ۱۱ .                            |
| ۴ . همان / ۴۲۷ .                                 | ۱۰ . همان / ۴۰۵ تا ۴۰۶ .                           |
| ۵ . تفسیر القمی ، ۲/ ۴۲۴ .                       | ۱۱ . همان ، ۳۱/ ۱۹ .                               |
| ۶ . همان .                                       | ۱۲ . بحار الأنوار ، ۱۰۲/ ۱۱۰ .                     |